



## بررسی کیفیت و حس دل‌بستگی به مکان در فضاهای باز مجموعه مسکونی

الهام منصوریان<sup>۱</sup>\* علی آرام<sup>۲</sup>

### چکیده

مکان پدیده ایست که انسان در طول زندگی خود به آن معنا بخشیده و به آن وابسته می‌شود. وابستگی به مکان از کیفیت فضا و نحوه طراحی متأثر است و افراد طی دوره زمانی خاص آن را می‌آفرینند. میان دل‌بستگی به مکان و ادراک و شناخت مکان از سوی فرد رابطه مثبت وجود دارد تا آنجا که خود را با آن باز می‌شناسد؛ بنابراین پیوند بین انسان و مکان یا «دل‌بستگی به مکان» مبنایی برای ارضای بسیاری از نیازهای انسان به واسطه مکان و معنا بخشی به زندگی برشمرده شده است. به‌ویژه دل‌بستگی به مکان‌های با اهمیت برای انسان که شاخص‌ترین آن‌ها فضای سکونت است. فضاهای باز مابین ساختمان‌های مسکونی بستر پیوند ساکنان با طبیعت و محل گذران اوقات فراغت در مکان بیرونی بلافصل خانه است در نتیجه‌ی این امر، واحد مسکونی در ارتباط با بخشی از نیازهای انسانی مرتبط با فضاهای مورد نظر، ناتوان شده و سطح کیفیت زندگی ساکنان پایین آمده است. این پژوهش به بررسی کیفیت و حس دل‌بستگی به مکان در فضاهای باز مجموعه مسکونی می‌پردازد. پس از پرداختن به نظریه‌های موجود در زمینه دل‌بستگی به مکان و در فضاهای باز مجموعه مسکونی با رویکردی استنتاجی و با استفاده از تحقیق گذشته و مبانی نظری به تحلیل می‌پردازد، نتایج نشان می‌دهد که کیفیت و حس دل‌بستگی به مکان در فضاهای باز مجموعه مسکونی، سازماندهی، کیفیت فضاهای داخلی، تعاملات اجتماعی، نوع دسترسی و دید و منظر و نوع دسترسی و دید و منظر می‌تواند به‌عنوان عوامل تأثیرگذار در افزایش کیفیت و حس دل‌بستگی به مکان در فضاهای باز مجموعه مسکونی باشد.

**کلیدواژه‌ها:** مجموعه مسکونی، کیفیت محیط، فضاهای باز، دل‌بستگی به مکان، احساس محیط

### ۱- مقدمه

رضایت ساکنان به‌عنوان تجربه لذت بردن از یک مکان خاص تعریف شده است (Canter, 1977). حال آنکه در باب رضایتمندی، مطالعات مختلفی صورت گرفته است و توجه اندیشمندان مختلف در این باب، بیشتر به کیفیت محیطی بوده است. کنتز، سه جز اصلی را در ارزیابی رضایت ساکنان از محل زندگی مؤثر می‌داند: جنبه‌های فضایی (معماری، شهرسازی)، جنبه‌های انسانی (روابط اجتماعی) و جنبه‌های عملکردی (خدمات و تسهیلات) (Canter, 1997)، که هر سه جز مربوط به کیفیت محیطی است. اگرچه پژوهش‌های تجربی جدیدتر همچون پژوهش‌های بُنایتو (۲۰۰۶) و آیلو و آردنه (۲۰۱۰) بعد چهارم دیگری شامل متغیرهای زمین‌هایی همچون: نحوه زندگی، جمعیت و نگهداری را به الگوی کنتز اضافه نمودند (بهزادفر، ۱۳۹۰)، ولی همچون این پژوهش‌های تنها به کیفیت محیطی اشاره دارند؛ بنابراین، اگرچه محققان متعددی رضایتمندی را معادلی با ارزیابی کیفیت محیطی می‌دانند، چنانچه وان پل بیان می‌کند، یک محیط مسکونی با کیفیت الفاکنده احساس رفاه و رضایتمندی به ساکنان از راه خصوصیات کالبدی، اجتماعی یا نمادین است (van poll, 1997: 17) که این تعریف، نشان‌دهنده توجه بیش‌ازحد محققان مختلف به کیفیت محیطی به‌عنوان حس رضایت سکونتگاه است. حال آنکه تحقیقاتی که در روانشناسی محیطی صورت پذیرفته است، کیفیت محیطی را تنها به‌عنوان یکی از جزهای رضایتمندی سکونتی مطرح می‌کند، حال که همین تئوری دو جز دیگر (عاطفی - رفتاری) را

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد؛ معماری، دانشگاه آزاد یاسوج، [Elham.mansourian1229@gmail.com](mailto:Elham.mansourian1229@gmail.com)

<sup>۲</sup> گروه مهندسی عمران، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران، [aliaram172@yahoo.com](mailto:aliaram172@yahoo.com)

مورد ارزیابی قرار می‌دهد (Bonaiuto, 2003)؛ بنابراین توجه کردن به ارتقا کیفیت محیطی نمی‌تواند تنها در ایجاد حس رضایت کافی دانست، چنانچه بافت‌های قدیمی و سنتی، اگرچه از نظر کیفیت محیطی مناسب به نظر نمی‌رسد، ولی به دلیل جز عاطفی (که اشاره به دل‌بستگی مکانی دارد)، ساکنان احساس رضایت‌مندی از سکونتگاه خود را دارا می‌باشند؛ بنابراین توجه به این نکته که نه‌کپه‌ها، باید به ایجاد کیفیت محیطی در سکونتگاه‌ها توجه کرد، بلکه با ایجاد، نوعی دل‌بستگی به طرق مختلف می‌تواند در ایجاد حس رضایت در سکونتگاه‌ها بیفزاییم؛ بنابراین در این مقاله ما به دنبال این موضوع هستیم که آیا کیفیت و حس دل‌بستگی به مکان در فضاهای باز مجموعه مسکونی می‌تواند تأثیر گذار باشد.

## ۲- پیشینه تحقیق

رویا صادقی، فرشته و همکاران (۱۳۹۱). در پژوهشی به عنوان «بررسی رابطه طرح کالبدی در مجتمع‌های مسکونی و حس دل‌بستگی به مکان در بین ساکنین (مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی امام خمینی و امام رضا در همدان)» این نتیجه رسیدند که از بین شاخص‌های بدست آمده یعنی و تسهیلات امکانات رفاهی، سازماندهی، کیفیت فضای داخلی، تعاملات اجتماعی، نوع دسترسی و دید و منظر تنها دو شاخص و نوع دسترسی و دید و منظر می‌تواند به عنوان عوامل تأثیر گذار در افزایش حس دل‌بستگی به مکان باشد.

آیدا آل‌هاشمی، (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «کاربریهای فضای باز در مجتمعهای مسکونی بزرگ مقیاس شهر تهران» به این نتیجه رسید که قابلیت‌های فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی در سطوح مختلف توسط برنامه ریزان، طراحان و همچنین ساکنین مجتمع‌های مسکونی شهر تهران مورد بی‌توجهی قرار گرفته و می‌گیرد. در این مجتمع‌ها تنها قابلیت فضای باز در بخش کاربری‌های عمومی مشاع ساکنین مورد توجه بوده و نقش این فضاها در کاربری‌های اختصاصی خانواده و اقتصادی کاربری‌های عمومی - شهری مغفول مانده است، در این بخش، توجه به فعالیت‌های تفریحی، ورزشی و بعضاً در فضای باز بیشترین سهم را به خود اختصاص داده و کاربریهای فرهنگی - آموزشی از اهمیت کمتری برخوردارند.

حسن سجاد زاده، (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان نقش دل‌بستگی به مکان در هویت بخشی به میدان‌های شهری (نمونه موردی: همدان آرامگاه شهر همدان) به این نتیجه رسید که بین دل‌بستگی به مکان و هویت آن، رابطه مستقیمی وجود دارد که این امر می‌تواند بوجود آرامگاه بوعلی و با معماری فاخر آن در مرکز میدان، امکان دسترسی مناسب به میدان، وجود عوامل و عناصر محیطی نظیر درختان و فضای سبز مناسب در میدان، فضاهای تجاری و روزمره اطراف میدان، جانمایی مناسب میدان به لحاظ موقعیتی در شهر، مناظر ذهنی و عینی مناسب میدان نام برد، راهبرد مناسبی برای طراحی میدانی‌های شهری مطلوب در شهرهای معاصر فراهم کند.

اسماء میر خطیب و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر طراحی فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی در ایجاد حس دل‌بستگی به مکان (نمونه مورد مطالعه: مجتمع مسکونی ششصد دستگاه در شهر مشهد)» به این نتیجه رسیدند که معناداری تأثیر تمامی معیارهای متغیر مستقل (فضای باز مجتمع مسکونی) بر متغیر وابسته (حس دل‌بستگی) دارد. به این نحو که هر یک از معیارهای فضای باز، مؤلفه‌های سازنده دل‌بستگی، بیشترین تأثیرگذاری خود را بر معیار فضای سبز؛ و پس از آن به ترتیب، بر معیارهای فضای بازی کودکان، پیاده راه‌ها، میلمان شهری، مسیرهای سواره و در نهایت فضای نشستن، دارند. راهکارهای طراحی ارائه شده در این پژوهش کاربردی بوده و میتواند راهبردی برای آگاهی طراحان نسبت به چگونگی تأثیر فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی در جهت افزایش دل‌بستگی به مکان ساکنین را فراهم آورد.

## ۳- روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله مبتنی بر مطالعات اسنادی و روش پیمایشی، توصیفی و مشاهده ای است. در بخش مطالعات اسنادی با مرور مستندات مهم و برجسته در ارتباط با مفهوم مکان، هویت آن، دل‌بستگی به آن و فضاهای باز مجموعه مسکونی سعی در استخراج چارچوب نظری مناسبی برای متدلوژی تحقیق شده است، به این ترتیب، در زمینه بیان رویکردی تحلیلی و استنتاجی، ابتدا به مفهوم دل‌بستگی به مکان و رابطه آن با هویت مکان در فضاهای باز مجموعه مسکونی می‌پردازد و سپس با استناد به مطالعات روان‌شناسی محیط ابعاد در دل‌بستگی به مکان تشریح می‌شود و در نهایت با استخراج شاخص‌های دل‌بستگی به مکان و با روش پیمایشی و مشاهده ای و استفاده از تحلیل‌های آماری به ارزیابی آن در نمونه موردی می‌پردازیم. که ما در این تحقیق به صورت موردی و با مطالعه و بررسی حدود ۲۰ مقاله علمی پژوهشی و منتخب ۱۰ مقاله‌نهایی از این مقالات به تحلیل‌نهایی بررسی کیفیت و حس دل‌بستگی به مکان در فضاهای باز مجموعه مسکونی پرداخته شد.

#### ۴- مبانی نظری

از کیفیت محیط تعارف متعددی شده است. به نظر می‌رسد میان کیفیت محیط و کیفیت زندگی رابطه‌ای مستقیم برقراری باشد و شادی بتوان گفت محیطی است که کیفیت محیط بخش از مفهوم کیفیت زندگی است. کیفیت زندگی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «کیفیت زندگی جنبه‌های کمی زندگی چگونگی توزیع کالا و خدمات و نیازهای مادی انسان و جنبه‌های کیفی آن مانند روابط اجتماعی، رضایت از زندگی، مشارکت و احساس همبستگی اجتماعی و کلیه نیازهای معنوی انسان را در برمی‌گیرد» (شماعی و احمد؛ ۲۴۷) بر این اساس کیفیت محیط شامل همه فاکتورهایی می‌شود که بخشی از رضایت انسان را شامل می‌شود مثل سلامت، زندگی خانوادگی، کار و ارتباطات اجتماعی می‌باشند. کیفیت محیط شهری عبارت است از شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی-فضایی محیط شهری که است که نشان‌دهنده میزان رضایت عدم رضایت شهروندان از محیط شهری می‌باشد. (همان، ص ۱۴).

#### ۴-۱- مؤلفه‌های کیفیت محیط

دیوید کانتر (David Counter) صاحب‌نظری است که در کیفیت محیط به ارائه نظری پرداخته است. وی مدلی را برای مؤلفه‌های سازنده کیفیت محیط مطرح کرد که به مدل مکان شهرت دارد. در این مدل «کانتر» می‌گوید که محیط شهری به مثابه یک مکان متشکل از سه بعد درهم‌تنیده‌ی کالبد، فعالیت و تصورات است. از آنجاکه کیفیت محیط شهری هر مکان، ناگزیر از پاسخ‌دهی مناسب به ابعاد گوناگون محیط شهری است، می‌توان مؤلفه‌های سازنده کیفیت محیط شهری را مؤلفه‌هایی به موازات مؤلفه‌های سازنده مکان تعریف نمود. به عبارت دیگر با اقتباس از نظریه مکان کانتر می‌توان گفت که کیفیت محیط شهری عبارت است از آیند سه مؤلفه که هر یک از آن‌ها مشمول برآورده ساختن یکی از کیفیت‌های سه‌گانه کالبدی، فعالیت و تصویری محیط شهر هستند. (کلکار؛ ۵۵).

ساوت ورث دوازده معیار کلی را به‌عنوان عوامل اصلی مؤثر در کیفیت محیط شهری مطرح کرده است.

دسترسی	راحتی و آسایش	سرزندگی و حیات	شادی و شغف
شکل	حفاظت از محیط	تنوع و تجلّس	معنی
خوانایی ساخت	باز بودن فضاهای	مرمت و نگهداری	سلامتی و ایمنی

شکل (۱) معیارهای کیفیت محیط از دیدگاه ساوت ورث (حسین بحرینی، فرایند طراحی شهری، ص ۴۴)

#### ۴-۲- کیفیت محیط

مؤلفه‌های کیفیت فضای شهری

لینچ معتقد است که اگر بناست برنامه‌ریزی و طراحی شهری مفید واقع گردد باید قادر باشد تا از راه اعتلای کیفیت محیط کالبدی به اعتلای کیفیت زندگی انسان یاری رساند. لینچ مدلی شامل پنج محور عملکردی که از نظر او کلیه محورهای اصلی کیفیت هر شهر را تشکیل می‌دهند به همراه دو فوق معیار کارایی و عدالت به‌عنوان مدل جامع کیفیت شهر پیشنهاد می‌کند. از نظر وی شهر، زمانی مطلوب است که سرزنده باشد (=پایدار، ایمن و هماهنگ)، معنادار باشد (قابل تشخیص، سامان‌یافته، سازگار، شفاف، خوانا، قابل‌درک و با اهمیت)، متناسب باشد (انطباق نزدیک شکل و رفتار)، قابل‌دسترس باشد (متنوع، عادلانه و قابل اداره کردن در سطح محلی باشد) و به‌خوبی نظارت‌شده باشد (سازگار، مطمئن، جوابگو و به‌طور متنوب نرم و آزاد باشد). همه این‌ها باید با عدالت و کارایی درونی حاصل شود.

## ۴-۳- ادراک کیفیت محیطی

پیترهال در کتاب آینده شهری قرن ۲۱ بیان می‌کند که شهرها محل زندگی کردن و احساس راحتی‌اند (هال، ۱۳۸۸): که این احساس راحتی بدون وجود کیفیت محیطی که در آن زندگی می‌کنند حاصل نمی‌گردد. بهبود و حفظ کیفیت مسکونی شهری از اهمیت حیاتی برخوردار است، دلیل این امر را می‌توان به اهمیت تأثیر کیفیت فضاهای شهری در کیفیت زندگی مردم دانست (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۰:۳۵). از یک سو مطالعه سیستماتیک از کیفیت محیط به منظور اهداف سکونتی نسبتاً جدید است. مطالعه اولیه به‌طور حاشیه‌ای به موضوع پرداخته‌اند (al. 1976, p240). از سوی دیگر مفهوم کیفیت محیط به‌وسیله طیف متنوعی از متفکران و پژوهشگران متعلق به حوزه‌های علمی گوناگون مورد توجه قرار گرفته و تعاریف متعددی از آن ارائه شده است و عوامل متعددی و متنوعی به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر کیفیت محیط شهری عنوان شده است. در واقع کیفیت محیط شهری را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: "کیفیت محیط شهری: عبارت است از شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی - فضایی محیط شهری که نشان‌دهنده میزان رضایت یا عدم رضایت شهروندان از محیط شهری باشد (بهرامی نژاد، ۱۳۸۲، ۴۴).

## جدول (۱) تعاریف کیفیت محیطی

اندیشمندان	تعریف
لنسینگ و مارانز در سال ۱۹۶۹	بیان کردند یک محیط با کیفیت بالا، حس رفاه و رضایت‌مندی را به جمعیتی که در آن ساکن هستند به‌واسطه ویژگی‌هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی یا نمادین باشند، منتقل می‌کند.
کمپ و همکاران در سال ۲۰۰۳	کیفیت محیط یک مفهوم چندبعدی است که با مفاهیمی هم چون کیفیت زندگی، کیفیت مکان، ادراک و رضایت شهروندی و قابلیت زندگی اشتراکاتی دارد؛ به‌طوری‌که در بسیاری موارد به‌عنوان معانی مشابه در نظر گرفته می‌شود.
کانتریل (۱۹۹۸)	کیفیت محیط، عناصر مطبوع در یک مکان خاص است که به‌طور مثبت زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در بررسی‌هایی که از اندیشمندان مختلف شده است، هر محقق به‌صورتی به تدوین شاخص‌های برای تعیین و ارزیابی ادراک کیفیت محیطی در نظر گرفته‌اند. یکی از این تحقیقات صورت گرفته مربوط به اولین کنفرانس‌های نیات سازمان ملل در سال ۱۹۷۶ است، که مفهوم کیفیت محیط را با برآورده نمودن نیازهای اساسی و عدالت اجتماعی مترادف دانست. این نیازها عبارت‌اند از غذا، مسکن، شغل، بهداشت، شرافت و امکان پیشرفت فردی و توزیع عادلانه درآمدهای توسعه (بحرینی، ۱۳۹۰:۱۴۵-۱۴۶). باگذشت زمان و توجه پیش از پیش به کیفیت محیطی مطالعاتی توسط گروه‌ها مختلف از جمله "کمیته مشورتی برنامه‌ریزی لندن (LPAC)" در مورد مسائل شهری لندن صورت گرفته است، گزارشی تحت عنوان "کیفیت‌های محیط شهری لندن" در سال ۱۹۹۳ میلادی انتشار یافت که متضمن مجموعه معیارهایی است که می‌تواند ضامن ارتقاء کیفیت شهری باشد، بر اساس پیشنهادها گزارش مزبور کیفیت محیط شهری درگرو فراهم بودن این موارد است: مقیاس انسانی و فشرده‌گی بافت شهر؛ ساختار مناسب خوانایی و هویت؛ پاکیزگی و ایمنی؛ مدیریت شهری مطلوب؛ - غنای بصری؛ کاربری و فعالیت‌های مختلط - وجود فضاهای همگانی و فضاهای خاص؛ سهولت حرکت پیاده و سواره (LPAC, 1993).

با بررسی اندیشه و تعیین شاخص‌ها و بررسی نسخه اولیه مقیاس ادراک کیفیت محیطی، به این نتیجه می‌رسیم که ادراک کیفیت محیطی بر اساس سه معیار مولد (درواقع شاخص‌های تعیین‌شده توسط محققان و اندیشمندان زیرشاخه‌ای از این سه مولد می‌باشند) که منعکس‌کننده ارزیابی سه جنبه اصلی محله (فضایی، انسان و کاربردی) پایه‌گذاری شد (Bonaiuto, 2003). تجزیه و تحلیل کیفی مقدماتی یک جنبه متمایز چهارم را نشان داد، با توجه به ویژگی‌های متن (یعنی زندگی محله، سلامت / آلودگی و نگهداری / مراقبت‌های زیست‌محیطی)، که به‌طور تجربی تأیید شد (Bonnes et al. 1997)؛ بنابراین از آن به‌عنوان جنبه چهارم مورد استفاده شده است.

#### ۴-۴- جز عاطفی

#### ۴-۴-۱- دل‌بستگی به مکان

تعاریف زیادی در مورد دل‌بستگی مکان از سوی محققان مختلف انجام پذیرفته است، که قبل از اینکه به تعاریفی که در این زمینه صورت پذیرفته است، بپردازیم، به تعریف و بیان واژه‌های دل‌بستگی و مکان می‌پردازیم. در لغت‌نامه دهخدا در تعریف واژه دل‌بستگی حالت و چگونگی دل‌بسته. محبت و رغبت و دوستی و مودت و عشق آمده است و در تعریف لغت مکان، در لغت‌نامه معین به معنی محل استقرار جایگاه اشاره شده است.

حس مکان، ادراک ذهنی مردم و احساسات کم‌وبیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری خاص برای افراد و وابستگی آن‌ها به این مکان می‌گردد (احمدی پور و میرزایی تبار، ۱۳۸۹: ۵۰). واژه دل‌بستگی به مکان به تأثیر عاطفی یک مکان اشاره دارد که افراد به لحاظ حسی و فرهنگی به آن جذب می‌شوند. تأثیر حسی، عاطفی و درونی مکان بر انسان، مرکز تفکر دل‌بستگی مکان است، چراکه انسان می‌تواند به یکشی، خانه، ساختمان، محله و یا یک قرارگاه طبیعی، جذب شوند (دانشپور، ۱۳۸۳)؛ و مقصود از مکان، جای خاصی است در سطح زمین که محدود به موقعیتی است با هویت و شناسایی شدنی که ارزشهای ویژه و معینی با خود دارد (هاگت، ۱۳۷۳: ۱۶). درواقع منظور از مکان علاوه بر آنچه قابل‌رؤیت است، به مفهومی مهم‌تر و بالاتر از آن اشاره دارد که ویژگی غیرمادی است و مفهومی است که در ذهن و احساسات ساکنان آن شکل می‌گیرد و سبب تعلق و دل‌بستگی مکانی می‌گردد. در تعریفی دیگری که توسط براون و پرکینز (۱۹۹۲) در مورد دل‌بستگی مکانی بیان نموده‌اند، درواقع دل‌بستگی مکانی را به‌عنوان پیوند مؤثر مثبت، شناختی و رفتاری که مردم در طول زمان با محیط فیزیکی و اجتماعی خود توسعه می‌دهند تعریف کرده‌اند (Bonaiuto, 2003).

در رابطه با عوامل مؤثر در شکل‌گیری دل‌بستگی مکانی مطالعاتی مختلفی صورت پذیرفته است به‌نحوی که در مقاله‌ای که توسط آقای دانشپور در این زمینه به چاپ رسیده است با مطالعه آثار مختلفی چون Low در سال ۱۹۹۲؛ Altman Low در سال ۱۹۹۲؛ Oswald, Wahl در سال ۲۰۰۱؛ Marcus, Sarkissian در سال ۱۹۸۶؛ Brower در سال ۱۹۸۵؛ Green در سال ۱۹۹۹؛ Cohen, Shinar در سال ۱۹۸۵ و Fried در سال ۱۹۶۳، به ۹ عامل مؤثر در شکل‌گیری دل‌بستگی مکانی اشاره دارد.

جدول (۲) عوامل مؤثر شکل‌گیری دل‌بستگی مکانی

توضیحات	
عوامل کالبدی	زمینه و بستر، وجود خدمات و تسهیلات، موقعیت قرارگیری در زمینه شهری، و نحوه ارتباط با پیرامون
عوامل اجتماعی	براون و ورمر به سه عامل ذیل اشاره دارند. ویژگی‌های گروهی و فردی کاربران مکان - میزان تماس و صمیمیت افراد در مکان - میزان مشارکت در فعالیت‌های گروهی و مراسم جمعی
عوامل فرهنگی	لاو به ۶ ابزار فرهنگی در این زمینه اشاره دارد - دودمان: که فرد را با مکان در چارچوب هویت‌های تاریخی آن با خانواده وی ارتباط می‌دهد -از دست داد: که موجد و یا تقویت‌کننده دل‌بستگی به مکان است. -مالکیت -نگاه به‌نظام عالم وجود و فلسفه هستی: که ناشی از دیدگاه‌های مذهبی و اسطوره‌شناسی یک فرهنگ بوده و بر فرد و دل‌بستگی او با مکان مؤثر است -زیارت و آیین‌ها: که در رابطه با مکان‌هایی است که معانی خاصی برای افراد و گروه‌ها دارند مثل اماکن مذهبی -روایت: که با توصیف‌ها و روایت پیرامون مکانی خاص در زندگی افراد در رابطه است.
عوامل فردی	این مورد اشاره به سن، جنس، درآمد، وضعیت تأهل، تحصیلات، طبقه اجتماعی، شغل دارد
خاطرات و تجارب	
رضایتمندی از مکان	تأکید بر تسهیلات، تناسب مکان با عملکرد و زمینه، پایداری، مشخصات بصری، مدیریت،

ارزش اقتصادی مکان، تجسم ساکنین از واحدهای مشابه و بافت اجتماعی مکان، ویژگی‌های شهرسازانه و معمارانه، ارتباطات اجتماعی و مشخصات زمینه‌ای مکان	
در تقویت یک مکان برگزاری فستیوال‌ها، جشن‌ها و فعالیت‌های ورزشی تأثیر مثبتی دارد.	عوامل فعالیتی و تعاملی
مدت سکونت و اشدایی با مکان در افزایش دل‌بستگی مکانی تأثیر مثبتی دارد.	عامل زمان
حضور افراد در فرایند خلق مکان سبب می‌گردد تا آن‌ها احساس بیشتر و بهتری نسبت به آن مکان داشته باشند.	مشارکت در طراحی

تأثیر هریک از مؤلفه‌های بالا سبب ایجاد حس تعلق و دل‌بستگی به مکان می‌گردد به‌نحوی که این رابطه هرچه عمیق‌تر باشد، بر اساس نظریه آقای شامای که در ۷ مرحله به‌قرار زیر طبقه‌بندی شده، حس رضایت بیشتر می‌گردد.

۱- بی‌تفاوتی نسبت به مکان، ۲- آگاهی از قرارگیری در یک مکان ۳- تعلق به مکان ۴- دل‌بستگی به مکان ۵- یکی شدن با اهداف مکان ۶- حضور در مکان ۷- فداکاری برای مکان (۱۹۹۱)

دل‌بستگی مکانی به مطالعه ادراک محیطی نیز مرتبط است؛ به‌طوریکه افراد دل‌بسته حس بالایی از امنیت را تجربه می‌کنند، حتی وقتی مکان آن‌ها در منطقه جنگی واقع شده باشد (Billig, 2006: 2). درواقع یکی از معانی مهم در ارتقا کیفیت محیط‌های انسانی، حس تعلق و دل‌بستگی مکان است که این عامل سبب شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده‌کنندگان محیطی است، نهایتاً منجر به ایجاد محیط‌های با کیفیت نیز خواهد گردید (جوانفروزنده، ۱۳۸۹). ولی بر اساس آنچه در مبنای نظری بیان شد، درواقع حس رضایت بر مبنای دو مولد یعنی ادراک کیفیت محیطی و دل‌بستگی مکان شکل می‌گیرد و باینسان دیگر رابطه هریک نسبت به حس رضایت و تأثیر هر دو آن‌ها سنجیده می‌گردد، درواقع ممکن است در برخی موارد کیفیت محیطی آن‌چنان بالا نباشد، ولی ساکنان به دلیل وجود دل‌بستگی مکانی که دارا می‌باشند، از زندگی در محیط‌های مسکونی رضایت داشته باشند.

از سوی دیگر در رابطه با دل‌بستگی مکانی نسبت به شهر و محله، محله یا محیط‌های مسکونی به خاطر برجستگی رابطه‌ای و زمانی‌شان، مهم‌ترین (و در نتیجه مورد مطالعه‌ترین) مکانی هستند که مردم ممکن است در طول عمر خود به آن دل‌بسته شوند. مطالعات بر دل‌بستگی‌های مسکونی آن را در شرایط یک پیوند عاطفی بین مردم و جنبه‌های کلی از محل اقامتشان عملیاتی می‌سازد (Bonaiuto, 2003)؛ بنابراین در سنجش دل‌بستگی مکانی برای سنجش حس رضایت بهتر است آنان را در سطح محیط‌های مسکونی که درواقع محل اقامت و زندگی است مورد کاوش قرار گیرد. همانطور که بیان گردید حس رضایت بر مبنای دو شاخص ادراک کیفیت محیطی که از مجموع ۴ متغیر (ویژگی‌های معماری / برنامه‌ریزی شهری؛ ویژگی‌های اجتماعی و رابطه؛ ویژگی‌های عملکردی؛ ویژگی‌های بافت) و دل‌بستگی مکانی تشکیل شده است بر مبنای همین دو، زیرشاخه‌های بیان شده مدل کلی تحقیق بر مبنای آن به شرح زیر ترسیم می‌گردد.

#### ۴-۲- دل‌بستگی به مکان

در لغت‌نامه دهخدا از دل‌بستگی به معنای محبت، رغبت، دوستی، مودت، عشق و گرایش خاطر یاد می‌شود. دل‌بستگی به مکان به‌عنوان یک مفهوم، رابطه و نقطه اتصال بین مردم و مک آن‌هاست. امروزه مفهوم دل‌بستگی به مکان، نقش مهمی را در مطالعات روان‌شناسی محیط بازی می‌کند. دل‌بستگی به مکان، زنجیره‌ای میان افراد و محیط‌های معنادار است (Giuliani, Ferrara, & Barabotti, 2003; Altman & Low, 1992).

تحقیقات نشان می‌دهد دل‌بستگی به مکان نقش مهمی را در انگیزه حضور و مراقبت از فضاهای عمومی نظیر میدان‌ها و پارک‌های شهری ایفاء می‌کند. (KYLE, ET AL, 2004; MOORE & GRAEFE, 1994 WILLIAMS, ET AL, 1995).

بسیاری از محققین معتقدند حس مکان، مفاهیمی چون هویت مکانی، دل‌بستگی به مکان را نیز دربر می‌گیرد (JORGENSEN & STEDMAN, 2001). دل‌بستگی به یک مکان، ضمن آنکه منشعب از تجربه‌ها، رفتارها و سازمان اجتماعی و احساسی افراد است، محرک انگیزه‌های رفتاری افراد نیز بوده و هدفمندی رفتاری را برقرار می‌سازد، لذا فرد با رفتارها و کنش‌های خود در فضا، سعی در توجه و مراقبت بیشتر از آن را خواهد داشت. دل‌بستگی به مکان مبنای نحوه ارتباط و تعامل عاطفی مثبت انسان با فضا است و به‌واسطه خصوصیات فردی، جمعی، فرهنگی و اجتماعی ایجاد می‌شود (ALTMAN & LOW, 1992:5). برقراری این تعامل عاطفی، موجبات پیوند انسان با فضا و معنا بخشی به

فضا را فراهم می‌کند (RUBINSTEIN & PARMELEE, 1992:139) و باعث علاقه بیشتر به مکان می‌شود (BONAIUTO, ET AL, 1999:332). همچنین، دل‌بستگی به مکان با تأثیر و اثر متقابل کنش‌ها، اعتقادات، احساسات و آگاهی با مکان مرتبط است (PROSHANSKY, FABIN & KAMINOFF, 1983:59).

#### ۴-۳- هویت مکان و دل‌بستگی به آن

هویت مکان ابعادی از «خود» است که هویت فردی شخص را در ارتباط با مکان، بر اساس باورها، ترجیحات، احساسات، ارزش‌ها، اهداف، تمایلات رفتاری و مهارت‌های وی در رابطه با مکان به صورت آگاهانه و ناآگاهانه تبیین می‌کند. هویت مکان در عین آنکه وابسته به فرد، تجارب خاص و نحوه اجتماعی‌پذیری اوست، انعکاس‌دهنده افراد و گروه‌هایی است که در آن مکان خاص زندگی می‌کنند (PROSHANSKY, 1978:59).

گذشته مکانی فرد به‌عنوان ابزاری در برآوردن نیازهای فرهنگی - اجتماعی، روان‌شناختی و فیزیولوژی فرد سهیم است (PROSHANSKY, FABIN & KAMINOFF, 1983:59). مکان از سه مؤلفه مرتبط به هم که بدان معنا و مفهوم خاص می‌بخشد تشکیل شده است. محیط فیزیکی، روان‌شناسی درونی افراد و فرایندهای اجتماعی (CANTER, 1977:159). حس مکان وابسته به احساس و تصور افرادی است مکان را تجربه کرده‌اند و مربوط به نیاز هویت بخشی محیط شخصی و نیاز به بودن در یک مکان با هویت برای افراد است (RELPH, 1976). دل‌بستگی به مکان چیزی فراتر از تبعیت از مکان، بلکه منعکس‌کننده هویت افراد است (LBID:31). «آئمن» معتقد است که دل‌بستگی به مکان در نحوه ادراک هویتی فردی و جمعی تأثیرگذار بوده و مبتنی بر فعالیت‌هایی است که افراد در قالب مقتضیات فرهنگی خود انجام می‌دهند (ALTMAN & LOW, 1992) حس مکان به توانایی مکان در برانگیختن احساسات انسانی به واسطه کیفیاتی بستگی دارد که آن را از سایر مکان‌ها متمایز می‌کند (LYNCH, 1960)؛ و هویت مکان تشکیل شده از تصویر ذهنی، تولید تجارب، تفکرات، خاطرات و احساسات بی‌واسطه و تفسیر هدفمند از آنچه هست وان چه باید باشد (RELPH, 1976:56). در عین حال، هویت مکان نوعی دل‌بستگی عاطفی با مکان بر پایه اهمیت نمادین مکان، به‌عنوان ظرف عواطف و احساسات نیز هست که به زندگی فرد، هدف و معنا می‌بخشد (WILLAMS & VASKE, 2003:830).

تحقیقات بر روی حس مکان اغلب بر روی ساختار دل‌بستگی به مکان، تبعیتان مکان و هویت مکان متمرکز شده است (STEDMAN, 2003). هرچند در مورد کارکرد عناصر کالبدی و فعالیت در بسط و توسعه هویت مکان فراوان بحث شده است، اما به نقش معنا و هویت مکان در ساخت مک‌آهایی که دارای دل‌بستگی مکانی قوی است، به‌اندازه کافی توجه نشده است. برای ادراک مکان به‌عنوان یک فرایند تجربی، بررسی مفاهیمی که مردم را وابسته به یک محل یا موضع کرده وسیعی در ایجاد حس مکان کند، بسیار پراهمیت است. «رلف» انواع هویت مکان را بر اساس تصورات از درون برون مشخص می‌کند. درون مکان بودن، دل‌بستگی به مکان را قوی‌تر عمیق‌تر منعکس می‌کند که به‌موجب آن معانی، ارزش‌های فرهنگی، تجربیات و کیفیات مرتبط مکان که در محیط منعکس شده و به‌صورت قوی‌تر در درون فرد هم موجود است، قابل‌فهم و درک بهتر و واضح‌تری است. ایجاد حس مکان یکی از اهداف اصلی طراحی شهری است. حس مکان نیز وابسته به احساس و تصور افرادی است که کاملاً مکان را تجربه کرده و مربوط به نیاز هویت بخشی محیط شخصی و نیاز به بودن در یک مکان با هویت برای افراد است (RELPH, 1976:48).

#### ۴-۴-۵- شاخص‌های دل‌بستگی به مکان

برای بررسی ابعاد و شاخص‌های مختلف دل‌بستگی به مکان نظریات متنوعی وجود دارد. دل‌بستگی به مکان از مجموع ویژگی‌های محیطی و الگوهای ذهنی افراد تشکیل شده است. این مفهوم از خصوصیات محیط فیزیکی و ارزیابی آن‌ها توسط بهره‌برداران ایجاد می‌شود و از فردی به فرد دیگر متفاوت است (RILEY, 1992). بر این اساس دل‌بستگی به مکان با ویژگی‌های اجتماعی و فردی مخاطبان، میزان ارتباطات افراد در مکان و میزان مشارکت در مراسم جمعی ارتباط مستقیم دارد (BROWN & WERNER, 1985:535) به این ترتیب، حضور افرادی با خصوصیات مشابه نظیر طبقه اجتماعی، قوم، مذهب، طبقه اقتصادی، سبک زندگی، درآمد مالی و تحصیلات در تداوم زمانی حضور فرد در مکان نقش بسزایی دارد. این احساس مثبت از تعاملات و ارتباطات اجتماعی، دل‌بریدن از مکان مورد نظر را سخت می‌کند (FRIED, 1963). دل‌بستگی به مکان زمانی عمیق می‌شود که مکان به‌طور کامل توسط استفاده‌کنندگان احساس شده و قادر باشد نیازهای عملکردی استفاده‌کنندگان را برطرف کند، همچنین متناسب با اهداف رفتاری استفاده‌کنندگان طراحی شده باشد (WILLIAMS, 1995:85). دل‌بستگی به یک محیط خاص متأثر از کیفیات و ویژگی‌های مکان است. ویژگی‌های هر مکان نیز نمودار پتانسیل‌ها و خصوصیات منحصر به فرد آن مکان است (IBID).

دل‌بستگی به مکان همان‌گونه که با طولانی شدن مدت سکونت و بازدید فرد در یک محل افزایش پیدا می‌کند، به تعامل فرد با دیگران در آن مکان نیز بستگی دارد (RELPH, 1976:33). نقش آیین‌ها، افسانه‌ها و سنت‌ها در ایجاد حس ماندگاری نسبت به مکان بسیار مهم است و از بین رفتن آیین‌ها باعث مردن مکان می‌شود (IBID:31). همچنین رلف "درون مکان بودن" را به معنی تعلق داشتن و به آن وابسته بودن می‌داند و اظهار می‌دارد هرچه حس درون بودن عمیق‌تر باشد، حس هویت با مکان نیز قوی‌تر خواهد بود (IBID). جهانی شدن اقتصاد، تولیدات استاندارد و محیط‌های شهری عمومی، نقطه اتصال ضعیفی به چشم‌اندازهای بومی و محلی، اکوسیستم، تاریخ، فرهنگ و اقتصاد دارد و از جمله عوامل تضعیف حس مکان شده است (WHEELER, 2004). نتیجه این امر، روند توسعه فضاهای شهری کنونی است که به سمت کم‌رنگ شدن دل‌بستگی به مکان ناشی از تعامل افراد با مکان، معانی و ویژگی‌های مرتبط محیطی است که فرد را راغب به ماندن در آن مکان می‌کند و به‌واسطه حس فضایی آن مکان میسر می‌شود. در این بین طراح نیاز به درکی روان‌شناسانه از تغییرات بافت مراکز شهری با تأثیرپذیری از فرهنگ‌های جهانی و فرم‌های ساخته‌شده دارد تا بر اساس آن بتواند ابعاد دل‌بستگی به مکان را در طرح‌ها و برنامه‌های خود لحاظ کند. بر این اساس مؤلفه‌ها و شاخص‌های مهم در دل‌بستگی به مکان را می‌توان به صورت نمودار ۱ نشان داد.



نمودار ۱، چارچوب مفهومی دل‌بستگی به مکان. ماخذ: نگارنده.

#### ۴-۵- عوامل معنایی

مفهوم دل‌بستگی به مکان در قلمرو تداعی معانی محیط تعریف می‌شود. معنا مربوط به جنبه‌های روان‌شناسی و ادراکی تجربه محیطی است و در این محدوده دل‌بستگی به مکان به‌عنوان نقطه اتصال فرد و محیط تعریف می‌شود (Hernandez, 2001:121).



مطالعات «استدمن» نشان می‌دهد که معانی نمادین مکان نقش مهمی در دل‌بستگی به مکان ایجاد می‌کند (Stedman, 2003: 682). از آنجا که برقراری تعاملات اجتماعی، امکان معنا بخشی مکان را برای فرد فراهم می‌کند لذا اهمیت ارتباطات اجتماعی در مکان، نایستی مورد غفلت واقع شود.

#### ۴-۵-۱- عوامل عملکردی

این بعد که بر برآوردن نیازها و اهداف فردی (Williams & Roggenbuck, 1989; Stokols & Shumaker, 1981)، مبتنی بر کیفیت مکان در پاسخگویی به نیازهای کاربران در مقایسه با سایر مکان‌های مشابه موجود اشاره دارد وابسته به تجارب قبلی فرد، نحوه دسترسی به مکان و الگوهای فعالیتی موجود در آن است (Willams & Vaske, 2003: 18).

#### ۴-۵-۲- عوامل احساسی

یکی از ویژگی‌های اصلی دل‌بستگی به مکان پیوندی مؤثر و ماندگار را با مک آن‌هایی که مردم از آن استفاده می‌کنند برقرار کرده و در آنجاست که آن‌ها احساس آسایش و آرامش بیشتری دارند (Hernandez, 2001: 121). و توزیع یکسان جنسیت در آن‌ها به لحاظ زن و مرد، کاملاً رعایت شد. متوسط دوره سکونت در همدان بین ۱۰ تا ۳۰ سال انتخاب شد که اکثراً اشدایی کامل با میدان داشتند.

#### ۵- فضاهای باز در مجتمع‌های مسکونی

در سال‌های اخیر با افزایش توجه به نقش فضاهای باز در ارتقاء سطح کیفی و کمی زندگی ساکنین این مجتمع‌ها، نیاز به شناخت قابلیت‌های متنوع فضاهای باز در تأمین نیازهای ساکنین الزامی به نظر می‌رسد. در طراحی و ساخت فضای باز موفق در مجتمع‌های مسکونی نخستین گام پیش از طراحی و اجرا، ترسیم شمای ارگانیک از فضاهای مختلف شکل دهنده به فضا و برنامه ریزی و چیدمان فعالیت‌ها و کاربری‌های موردنیاز ساکنین مجتمع‌های مسکونی است. در این میان شناخت کاربری‌ها و کارکردهای مختلف فضای باز مجتمع‌های مسکونی و قابلیت‌های مختلف فضای باز این مجموعه‌ها در پاسخ دادن به نیازهای مختلف جسمی و روحی در سطوح و مقیاس‌های متنوع، نیاز اولیه برنامه ریزان، طراحان و ساکنین مجتمع‌های مسکونی در طراحی، ساخت و نگهداری فضای باز در مجتمع‌های مسکونی به شمار می‌رود.

- کاربریها و کارکردهای فضاهای باز در مجتمع‌های مسکونی
- فضای باز در مجتمع‌های مسکونی امروزی

امروز تأثیر مثبت کیفیت فضای باز بر سلامت جسمی و روحی انسان‌ها، امری پذیرفته شده است و از فضاهای باز در مجتمع‌های مسکونی انتظار می‌رود تا خلایق ناشی از نبود حیاط را در زندگی ساکنین پر نماید، خلایق که با کمبود سرانه فضای سبز در شهرها و شلوغی و ازدحام شهرهای امروز بیشتر احساس می‌شود. با این وجود، باید توجه داشت که نقش کالبدی این فضا تفاوتی بنیادین با حیاط در خانه‌های سنتی دارد، در واقع فضای باز در مجتمع‌های مسکونی بیرونترین فضای خانه‌ها و مفصل ارتباط با فضای شهری است و به لحاظ کاربری به عنوان بخشی بیرونی به حساب می‌آید و به نوعی محفل شکل‌گیری فعالیت‌های بازتر و مشترک است (Wilkinson, 1983).

امروز مجموعه فضاهای باز در مجتمع‌های مسکونی به فضاهای بسته و محدود بالکن‌ها و مهتابی‌ها در طبقات و یا حیاط‌های خصوصی کوچک در طبقه همکف، پارکینگ‌ها و یا فضاهای مشترک بدون برنامه محدود شده‌اند، اگرچه متخصصین تأکید می‌کنند که فضاهای باز مانده میان بلوک‌های مسکونی نه فضاهایی بلااستفاده و زاید که فضاهایی برای ملاقات، رخدادهای و برخوردها هستند. (Tzonis, 2006, p. 24). تحقیقات مختلف در غرب از میزان تأثیر فضاهای باز در افزایش مطلوبیت فضا برای ساکنین نشان دارد؛ از آن جمله کوپر مارکوس و سارمسیاندر ۱۹۸۶ در تحقیقاتشان تأکید می‌کنند که موفقیت مجتمع‌های مسکونی با تراکم متوسط و بالا با میزان تأثیر مثبت فضاهای باز میان بلوک‌ها رابطه مستقیم دارد و دوستی و تعامل با همسایگان تأثیر به‌سزایی در انطباق و پذیرش خانه جدید در ساکنین (Beer, 1983) و در بهبود سلامت فیزیکی و روحی ساکنین مؤثر است. اگرچه باید توجه داشت که طراحی موفق همسایگی، طراحی‌ای است که تعادل مناسبی را میان فرصت‌های برخوردهای همسایگی و فرصت‌های گوشه‌گیری و خلوت را برقرار سازد. به عنوان مثال، اگرچه فضاهای خصوصی با دیوارهای کوتاه به صورت سنتی برخوردهای همسایگی را افزایش می‌دهد ولی می‌تواند به صورت همزمان به ساکنین احساس ناامنی و مورد توجه و دید بودن را القاء کند (Thwaites, 2001). در کشورهای مختلف با توجه به نقش فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی با برنامه ریزی و راهبردهای

گوناگون در مقیاس‌های مختلف تلاش می‌شود تا از حداکثر که احساس تعلق خاطر را در ساکنین برانگیزد و علاوه بر آن به منافع قابلیت‌های فضای باز برای دست یافتن به مکانی جمعی و زیست محیطی شهر نیز کمک کند، دست یابند. در این میان «سازمان معماری و محیط مصنوع انگلستان» به عنوان یکی از فعال‌ترین ارگانها در این زمینه لیستی از عوامل مؤثر در افزایش کیفی فضاهای باز در مجموعه‌های مسکونی و بهبود نقش آنها در بهبود زندگی ساکنین مجتمع در برنامه ریزی، طراحی و اجرای فضای باز مجموعه‌های مسکونی معرفی کرده است:

- التزام در ایجاد فضای سبز و باز در بالاترین کیفیت ممکن توسط سازمان‌ها و مدیریتهای مربوط
- تشویق ساکنان، در تمام سنین، در داشتن نقش فعال در تصمیم‌گیری‌ها در مورد اینکه فضای باز مجموعه مسکونیشان چه شکلی داشته باشد؛ چگونه مورد استفاده قرار گیرد و چگونه مراقبت شود؟
- داشتن رویکرد راهبردی و هماهنگ با برنامه‌های شهری در برنامه ریزی و گسترش فضای سبز
- جذب و حفظ منابع حمایتی مختلف با ایجاد مشارکت حداکثری
- ایجاد فضاهای سبزتر، بهبود مسیر خیابان‌ها و تأمین امکانات جدید با در نظر گرفتن کیفیت طراحی
- تشویق ساکنین و کارکنان برای استفاده از فرصت‌ها و امکانات آموزشی در فضای باز
- اطمینان از اینکه نگهداری و مراقبت بلندمدت از باغها و فضاهای سبز به امری ضروری و همیشگی تبدیل میشود.
- بهبود شخصیت و طراحی فضاها برای تغییر در رفتار ساکنان و افزایش امنیت شخصی
- تشویق ساکنین به فعال‌تر بودن و حضور بیشتر در فضاهای باز با تأمین فضاهای باز جذاب و خوب نگهداری شده
- فراهم نمودن حفاظت حداکثری برای ساکنین در برابر تغییرات و تأثیرات آب و هوایی (CABE, 2009)

## ۶- کاربریها در فضای باز مجتمع‌های مسکونی

از مهمترین عوامل در استفاده حداکثری از قابلیت فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی در زندگی ساکنین، پیش از طراحی فضا و به کار بردن راهکارهای کاربردی و عملی کالن و جزئی در طراحی، ساخت و ساماندهی فضا، درگام نخست برنامه ریزی و تعریف دقیق نوع و چگونگی شکل‌گیری فعالیت‌ها و کاربری‌های مختلف و متنوع در فضای باز این مجتمع‌ها است. در یک تقسیم‌بندی کلی، گونه‌های مختلف فعالیتی و مجموعه فعالیت‌ها در فضای باز مجتمع‌های مسکونی در دو حوزه فعالیت‌های مرتبط با نیازهای جسمی و فعالیتهای مرتبط با نیازها و انگیزه‌های روانی (و البته مجموعه فعالیت‌های بینابینی قابل دسته‌بندی است):

ابراهام مازلو به منظور تشریح شکل‌گیری شخصیت سالم در انسان سلسله‌مراتبی از نیازها را عرضه کرد که از نیازهای فیزیولوژیک و جسمی آغاز می‌شود و در سطوح بالاتر به انگیزه‌های روانی بالاتری می‌رسد. نیازهای هر سطح باید دست‌کم تا حدودی ارضا شود تا نیازهای سطوح بعدی بتوانند به صورت عوامل تعیین‌کننده درآیند. بر این اساس ترتیب نیز فضای باز مسکونی باید به گستره وسیع این نیازها از جسمانی تا روانی ساکنین به صورت‌های مختلف پاسخ‌گوید (Nouzari, 2004).

در پاسخ به این نیازها چهارگونه مختلف فعالیت ۱- فعالیت‌های تفریحی و جمعی - خاطرهای ۲- فعالیت‌های ورزشی ۳- فعالیتهای فرهنگی و آموزشی ۴- فعالیت‌های اقتصادی در سطوح مختلف در فضای باز مجموعه‌های مسکونی شکل می‌گیرند. البته این تفکیک به صورت شماتیک ترسیم شده است و در واقع امکان تفکیک کامل میان این حوزه‌ها وجود ندارد، چه اینکه به طور مثال فعالیت‌های ورزشی در ذات خود نوعی سرگرمی و تفریح نیز به شمار می‌روند.

در کنار این، دو حوزه اصلی سطح محرمیت فضا و سن کاربر فضا، در تقسیم‌بندی و برنامه ریزی کاربری‌ها و فعالیت‌های فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی نقش تعیین‌کننده را دارد:

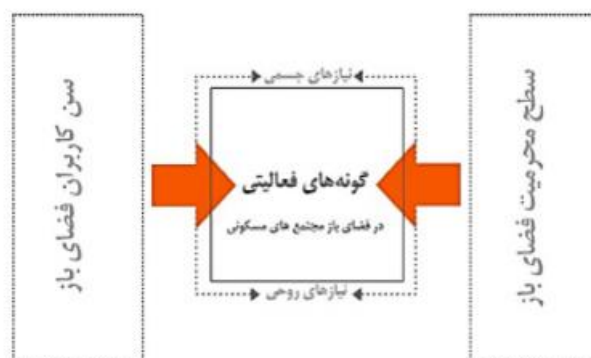
## ۶-۱- مقیاس و سطح محرمیت فضای باز مجتمع‌های مسکونی

امروز فضای باز در مجتمع‌های مسکونی در سطوح مختلف اختصاصی خانواده تا عمومی شهری به نیازهای ساکنین مجموعه و محله پاسخ می‌گوید. در تحقیقات مختلف تعامل موقعیت قرارگیری مجتمع‌های زیستی با فاصله پیاده تا دسترسی به امکانات مورد نیاز خانواده از معیارهای

دستیابی به پایداری در محله به شمار میرود (Rao al et ۲۰۰۰). در مجموعه های زیستی کلان با توجه به تراکم بالای جمعیتی مجتمع نسبت به محله مسکونی اطرافش، فضاهای باز این مجتمع ها می توانند با تمهیداتی کاربری های خدماتی مقیاس محله را در خود جای دهند. در کنار تمام فضاهای عمومی و مشاع در نظر گرفته شده در فضای باز مجتمع های مسکونی امروزه فضاهای اختصاصی برای خانواده ها نیز با توجه به فراهم نمودن گستره وسیعی از منافع برای ساکنین مورد توجه قرار می گیرند، تا به نوعی فعالیت های خانواده در فضای باز حیاط های سنتی و خصوصی را احیاء کند. از نمونه های موفق این فضاها در سالهای اخیر، باغ های خصوصی در مجتمع های مسکونی را می توان نام برد که گستره وسیع منافع عمومی و کاربردهای مختلف دیگری از جمله بازی امن و ایمن بچه ها، سلامت و درمان را در کنار برخوردهای همسایگی و اجتماعات فامیلی مهیا می سازد. در حقیقت، باغ های خصوصی، حوزه وسیعی از نیازهای انسانی را از نیازهای پایه ایی چون امنیت خانواده تا نیازهای پیشرفته تری چون عزت نفس و خودکفایی را تأمین می کند و علاوه بر آن، ساکنین به صورت مستقیم در طراحی، اجرا و نگهداری فضای باز مجموعه ها سهیم می شوند. این سهیم شدن در کنار دست آورهای زیباشناسانه و خلاقانه در منظر مجتمع های مسکونی در تنوع طرح و گونه ها و لایه های مختلف پوشش گیاهی و گسترش و تنوع زیست بوم ها بر افزایش تعلق خاطر ساکنین به مجتمع مسکونی شان نیز تأثیر به سزایی دارد (Smith al e, 2009, PP.80-81).

### ۶-۲- سن کاربران فضای باز مجتمع مسکونی

توجه به نیازهای متفاوت گروه های مختلف ساکنین از فضای باز مجموعه در جذب حداکثری ساکنین مجموعه ها مؤثر است. شخصیت ما از کودکی تا جوانی، میان سالی و سپس تا کهولت پیوسته در کمال است. به همین ترتیب انسان ها در هر کدام از این دوران نیازها و علایق ویژه خود را دارند و این تنوع نیازها در سنین و جنسیت های مختلف توجه ویژه مجموعه را می طلبد. ساکنین در برنامه ریز و طراح فضای باز به پراکندگی سنی و جنسی ساکنین منطقه، محله و نهایتاً سنین مختلف درخواست های متفاوتی را از فضای باز مجموعه مسکونی خود دارند و فضای باز مجموعه باید در مقیاس ها و به شیوه های مختلفی به این نیاز پاسخ گوید تا به هدف جذب حداکثری ساکنین به استفاده و توجه به فضای باز بیانجامد. تعیین کاربریها در فضاهای باز مجموعه های به این ترتیب دو حوزه برنامه ریزی کلان در تعیین گونه های فعالیت و نهایتاً مسکونی تعیین شد که در چیدمان و تعیین فعالیت های مختلف و متنوع در فضاهای باز مجموعه مسکونی نقش مهمی دارند و به واقع گستره کاربری ها در این دو حوزه به صورت مجزا قابلیت طرح ریزی و اجرا دارند (شکل ۲).



شکل ۲ - تأثیر دو حوزه سن کاربران و سطح محریمیت فضای باز در تعیین مجموعه کاربریهای فضای باز مجتمع های مسکونی

با تکیه بر دستاوردهای بالا، به لحاظ مقیاس و محریمیت کاربری های مجتمع های مسکونی قابل تفکیک در ۳ حوزه کاربری های عمومی - شهری، کاربریهای عمومی - مشاع و کاربری های اختصاصی خانواده ها می باشند که در هر حوزه فعالیت های متنوع از سرگرمی تا اقتصادی در برمی گیرد.

## ۷- نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش دستیابی به اصول و مبانی کیفیت و حس دل‌بستگی به مکان در فضاهای باز مجموعه مسکونی است. بر این مبنا اصلی‌ترین استفاده‌کنندگان آن، معماران منظر و معماران می‌باشند که یافته‌های آن آموزه‌هایی را برای ارتقای فضای محیط‌های مسکونی در اختیار آنان قرار می‌دهد. از آنجاکه تاکنون چارچوب کاملی برای ارزیابی و سنجش و همچنین الگوی راهبردی افزایش کیفیت فضاهای باز به‌صورت خاص در مجتمع‌های مسکونی تعریف نشده است، یکی از دستاوردهای اصلی پژوهشگران، توانمندسازی متخصصان معماری در شناخت بهتر خصوصیات کالبدی فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی و ویژگی‌های تعاملات اجتماعی در فضای باز است؛ که سبب ارتقاء حس دل‌بستگی ساکنین به فضاهای سکونتشان خواهد شد. با توجه به لزوم توجه پیوند انسان و مکان در طراحی و برنامه‌ریزی شهرهای جدید و مک آن‌هایی که سابقه‌ی ساخت طولانی‌مدت ندارند، یافته‌های این پژوهش می‌تواند در ایجاد حس دل‌بستگی و تمایل افراد به سکونت و تلاش آن‌ها برای ارتقای محل مفید واقع گردد (معصومی و همکاران، ۱۳۹۶). لذا تحقیق معصومی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد، ضمن آنکه مؤلفه‌های احساسی، عملکردی، معنایی در ایجاد دل‌بستگی به فضای باز مجتمع مسکونی، نقش مؤثری ایفاء کرده، در عین حال رابطه‌ای مستقیم بین مؤلفه‌های مذکور نیز وجود دارد.

در ارتباط با مؤلفه‌های احساسی و نقش آن در دل‌بستگی به فضای باز مجتمع مسکونی می‌توان گفت، حس آسایش، آرامش و تداعی خاطرات فردی و جمعی به‌واسطه حضور در فضا، نقش مؤثری را در دل‌بستگی در چنین فضاهایی داراست. در مورد ویژگی‌های عملکردی در فضای باز مجتمع مسکونی و تأثیر آن در ارتقای دل‌بستگی، می‌توان گفت برآورده کردن توقعات و انتظارات افراد از فعالیت‌های موجود در فضای باز مجتمع و ارضای نیازهای فیزیولوژیکی، حیاتی ساکنین از عوامل مهم در دل‌بستگی است. امروز با مشخص شدن تأثیر مستقیم کیفیت فضای باز مجموعه‌های مسکونی در ارتقاء سطح کیفی زندگی ساکنین ظهور و مجتمع و محله‌های اطراف آن، نیازها و حوزه‌های مختلف فعالیتی در فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی و نهایتاً حضور گسترده وسیعی از کاربری‌ها در فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی مورد توجه قرار گرفته است. در این میان، آغاز موج جدید انبوه‌سازی در کلانشهرهای کشور، در کنار کیفیت پائین فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی بزرگمقیاس، نیاز به پژوهش کمی و کیفی در حوزه فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی پایتخت را بیش از پیش نشان می‌دهد. در راستای شناخت و بررسی کاربری‌های موجود در فضای باز مجتمع‌های مسکونی بزرگمقیاس شهر تهران، پس از بررسی و شناخت قابلیت‌های مختلف فضای باز مجتمع‌های مسکونی در افزایش کیفیت زندگی ساکنین و دست‌بندی و سطح بندی فعالیت‌ها و کاربری‌های مختلف فضای باز، جامعه‌های واجد شرایط پژوهش در شهر تهران مورد بازدید میدانی قرار گرفته و کاربری‌های موجود در این فضاها در سطوح مختلف مطابق با دستاوردهای بخش نخست مطالعات، مورد کنکاش قرار گرفت.

همچنین در مورد دل‌بستگی معنایی نیز می‌توان گفت، رخدادهای معنایی و مفاهیم در فضای باز مجتمع وابسته به تجربیات شخصی و گروهی افراد است. این امر به‌شدت متأثر از تکرار بازدید و حضور مکرر افراد در مجتمع، تعامل اجتماعی افراد با همدیگر و ویژگی‌های فضایی و معماری است. با این‌وجود، با توجه به بستر شکل‌گیری این پژوهش در حوزه معماری، مجموعه راهکارهایی در حوزه راهنمای طراحی در کنار اهداف اصلی شکل گرفت که می‌تواند به‌عنوان پیوستی فراتر از الزامات مذکور در شرح پژوهش مطرح شود. از آنجاکه راهنمای طراحی پل میان پژوهش و فعالیت حرفه‌ای است (بهبادفر، شکیبامنش، ۱۳۸۷)، در ادامه پژوهش، به ارائه راهکارهایی در قالب معیارهای فضای باز مجتمع مسکونی در سه اَیتم احساسی، عملکردی و معنایی مؤثر بر افزایش حس دل‌بستگی ساکنین شرح داده خواهد شد.

## ۸- منابع

- امین زاده، بهناز؛ ۱۳۷۸، حیات مساجد بررسی تاریخی و سیر تحول آن، مجموعه مقالات همایش مسجد، انتشارات دانشگاه هنر
- بحرینی، سید حسین، مدل ارزیابی کیفیت محیط‌زیست شهری، مجله محیط‌شناسی، شماره ۲۱ و ۲۲
- بحرینی، حسین و طبیبیان، منوچهر؛ ۱۳۷۷، مدل ارزیابی کیفیت محیط‌زیست شهری، مجله محیط‌شناسی - دوره ۲۴ - شماره ۲۱ -
- رویا صادقی، فرشته، گلرخ دانشگر مقدم، امید دژدار، (۱۳۹۱)، بررسی رابطه طرح کالبدی در مجتمع‌های مسکونی و حس دل‌بستگی به مکان در بین ساکنین (مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی امام خمینی و امام رضا در همدان)

- آیدا آل هاشمی، (۱۳۹۰)، مقاله حاضر حاصل پژوهشی با عنوان «کاربریهای فضای باز در مجتمع های مسکونی بزرگ مقیاس شهر تهران» است که در بهار سال ۱۳۹۰ توسط نگارنده در کالس درس «تاریخ تحولات مسکن در ایران» در دوره دکتری معماری در پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران، با راهنمایی جناب دکتر علیرضا عینیفر، انجام شد.
- حسن سجاده زاده (۱۳۹۲)، نقش دلبستگی به مکان در هویت بخشی به میدان های شهری (نمونه موردی: همدان آرامگاه شهر همدان)
- اسماء میرخطیب، و دکتر مسیح الله معصومی، (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر طراحی فضاهای باز مجتمع های مسکونی در ایجاد حس دلبستگی به مکان (نمونه مورد مطالعه: مجتمع مسکونی ششصد دستگاه در شهر مشهد).
- بحرینی، حسین؛ ۱۳۷۷، فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران،
- براند فری، هیلدر، ۱۳۸۳، طراحی شهری به سوی یک شکل پایدارتر شهر، ترجمه حسین بحرینی انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری
- پاپاروپور، الکساند؛ معماری اسلامی، مترجم: حشمت جزیی
- پاکزاد، جهانشاه؛ طراحی شهری چیست، مجله آبادی سال هفتم شماره ۲۵
- پورجعفر، محمدرضا، ۱۳۸۸، خوانش تأثیر ساماندهی ((محورهای بصری)) بر ارتقاء ((کیفیت محیط)) فضاهای عمومی شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۴، پاییز و زمستان
- پورجعفر، محمدرضا؛ ۱۳۸۱، توجه به معیارهای طراحی شهری و معماری در مساجد قدیمی (مورد مطالعه مسجد جامع دهلی)، مجله مدرس هنر شماره سال
- تقوایی، علی اکبر و معروفی، سکینه، ۱۳۸۹، ارزیابی نقش مساجد در کیفیت محیط، مدیریت شهری، شماره ۲۵، بهار و تابستان
- حاج سید جوادی، فریبرز؛ ۱۳۷۸، مسجد - مدرسه ها - مجموعه مقالات همایش مسجد، انتشارات دانشگاه هنر
- خسرو خاور، فرهاد؛ ۱۳۸۳، سخنرانی شهرها و خاطره جمعی، خانه هنرمندان
- رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا؛ ۱۳۸۴، فضاهای عمومی شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳،
- رنجبر کرمانی، علی محمد؛ بررسی تطبیقی معماری نیایش گاه های غربی و مساجد، فروغ مسجد، انتشارات ثقلین
- سلطان زاده، حسین؛ ۱۳۶۱ روند شکل گیری شهرها و مراکز مذهبی در ایران، تهران انتشارات آگاه
- سلطانی، علی، ۱۳۸۹ بررسی تأثیر نیروهای مختلف در شکل گیری فضای شهری، نشریه هویت شهر، سال پنجم، شماره ۷،
- شکاری، جواد؛ ۱۳۸۰ معماری مسجد در نظام اسلامی، مجله فرهنگ مسجد، شماره ۶۳
- شماعی، علی و پورا احمد، احمد؛ ۱۳۸۴ بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، انتشارات دانشگاه تهران،
- عبدی دانشپور، زهره؛ ۱۳۸۷ در آمدی بر نظریه های برنامه ریزی با تأکید ویژه بر برنامه ریزی شهری، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- کوزر، لوئیس؛ ۱۳۸۷ زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، مترجم: محسن ثلاثی، چاپ چهاردهم، انتشارات علمی -
- گلکار، کوروش؛ ۱۳۸۱ طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح های توسعه شهری تهران، انجمن صنفی مهندسان مشاور معمار و شهرساز
- گننام، ۱۳۹۱ نقش فضاهای شهری در ارتقاء کیفیت محیط با تأکید بر نقش مساجد، مرکز رسیدگی به امور مساجد،
- لینچ، کوین؛ ۱۳۷۴ سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران،
- متکان، علی اکبر، ۱۳۸۸ سنجش کیفیت مکان های شهری، سنجش از دور و GIS در ایران، سال اول، شماره چهارم.
- مرتضی، هشام؛ ۱۳۸۷ اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، مترجم: ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری
- معروفی، سکینه؛ ۱۳۸۳ برنامه ریزی شهری مقوله ای اجتماعی و کالبدی، مجله شهرنگار شماره ۲۳،
- الویری، محسن؛ ۱۳۸۵ مسجد الگوی جامعه دینی، مجموعه مقالات برگزیده سومین همایش هفته جهانی مساجد (فروغ مسجد)
- اسماعیلی محسن و حمیدرضا ابراهیم خانی، شرح جامع مباحث عمومی شهرسازی ایران؛ تهران: انتشارات ارشد، ۱۳۸۹- فصل ۴

- احمدی پور، زهرا؛ میرزایی تبار، میثم (۱۳۸۹)، "نقش احساس مکانی در سازماندهی سیاسی فضا"، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، شماره ۱۲
- بحرینی، سیدحسین (۱۳۹۰) "فرایند طراحی شهری تهران" تهران، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات، چاپ هفتم
- بهرامی نژاد، دهقان، (۱۳۸۲) شناخت و ارزیابی کیفیت محیط شهری در بافت میانی شهرها مطالعه موردی بافت میانی شهر شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته شهرسازی، دانشگاه شیراز.
- بهزادفر، مصطفی و قاضی زاده، سیده ندا (۱۳۹۰)، "حس رضایت از فضای باز مسکونی نمونه مورد مطالعه: مجتمع‌های مسکونی شهر تهران" نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی شماره ۴۵، صص ۱۵-۲۴
- پارسی، فرامرز؛ منصوری، کاوه و بدری، نگار (۱۳۹۰)، "بررسی نظام اجتماعی در ساختار شهرهای ایران و تبیین جایگاه محلات به مثابه نظام اجتماعی شکل دهنده به شهر قاجاری" اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز، دانشگاه هنر اسلامی تبریز
- پیترهال و اولر یخ فایفر (۱۳۸۸)، "آینده شهری قرن ۲۱: برنامه جهانی برای شهرهای قرن بیست و یکم" مترجمان اسماعیل صا دق، ناهید صفایی، نشر تهران، جامعه مهندسان مشاور ایران، چاپ اول
- پیر بابایی، محمد تقی و سجاد زاده، حسن (۱۳۹۰)، "تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی" باغ نظر، شماره شانزدهم، سال هشتم، صص ۱۷-۲۸
- توتونچی، بهرام (معاون گردشگری میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری همدان) (۱۳۹۲)، "تنها ۳ محله همدان حالت قدیمی خود را از دست نداده اند"، گروه استانها، حوزه همدان-خبرگزاری فارس ۱۳۹۲-۰۶-۰۲
- جوان فروزنده، علی و طلبی، قاسم (۱۳۸۹)، "مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن" هویت شهر، شماره هشتم، سال پنجم، صص ۲۷-۳۷
- رفیعیان؛ مجتبی؛ عظیمی، مریم؛ مقدم، حامد (۱۳۹۰)، "ارزیابی کیفیت مناطق شهری در برخورداری از فضاهای عمومی با استفاده از نمودار وزنی ورونی (نمونه موردی: شهر قدیم لار)، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، شماره ۱۶
- رهنمایی، محمد تقی؛ فرهودی، رحمت اله؛ قالیباف، محمد باقر وهادی پور، خاتون (۱۳۸۶)، "سیر تحول ساختاری و عملکردی محله در شهرهای ایران"، جغرافیا (نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران) دوره جدید، سال پنجم، شماره ۱۳، ۱۲
- زارعی حاجی آبادی، فاطمه؛ پشمکیان، نیلا؛ شهابی، صفورا (۱۳۹۲)، "سنجش میزان رضایتمندی ساکنان بافت‌های تاریخی؛ نمونه موردی بافت تاریخی محله حاجی همدان، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، شماره ۲۲
- دانشپور، سید عبدالهادی، سپهری مقدم، منصور و چرخچیان، مریم (۱۳۸۸) "تبیین مدل "دل‌بستگی به مکان" و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن" نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی - شماره ۳۸-صص ۳۷-۴۸
- هاگت، پیتر (۱۳۷۳) (جغرافیای ترکیبی نو، مترجم شاپور گودرزی نژاد، تهران، انتشارات سمت.
- معصومی مسیح الله، میرخطیب اسماء (۱۳۹۶) بررسی تأثیر طراحی فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی در ایجاد حس دل‌بستگی به مکان (نمونه مورد مطالعه: مجتمع مسکونی ششصدستگاه در شهر مشهد). فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی. ۳۲ (۳): ۷۳-۵۲.

- Amérigo, M. Aragones, J.I. 1990. Residential satisfaction in council housing. J. Environ. Psychol. 10, 313-325
- Billig, M. (2006) Is my home my castle? Place attachment, risk perception, and religious faith. Environment and Behavior, 38, 248-265
- Bonaiuto, M. Aiello, A. Perugini, M. Bonnes, M. Ercolani, A.P. 1999. Multidimensional perception of residential environment quality and neighbourhood attachment in the urban environment. J. Environ. Psychol. 19, 331-352
- Bonaiuto, M. Bonnes, M. 2002. Residential satisfaction in the urban environment within the ESCO-MAB Rome Project. In: Aragones, J.I. Francescato, G. Gärling, T. (Eds.), Residential Environments. Choice Satisfaction and Behavior. Bergin & Garvey, Westport, CT, pp. 101-133

- Bonnes, M. Bonaiuto, M. Aiello, A. Perugini, M. Ercolani, A.P.1997. A transactional perspective on residential satisfaction. In:Despres, C. Piché, D. (Eds.), Housing Surveys. Advances in Theory and Methods. Crad, Que. Canada, pp. 99-135
- Carp,Frances.Zawadski,Rick.Shokrkon,Hossein-Dimension of Urban Environmental Quality- Environment and Behavior-Vol 8 No 2-1976
- Canter, D. 1977. The Psychology of Place. Architectural Press,London.
- C.Galster,George.W.Hesser,Garry.Residential satisfaction:Compositional and contextual correlates,J.Enviroment and Behavior,13(6),735-758,1981
- Francescato, G. 2002. Residential satisfaction research: the case for and against. In: Aragones, J.I. Francescato, G. Gärling,T. (Eds.), Residential Environments. Choice Satisfaction and Behavior. Bergin & Garvey, Westport, CT, pp. 15-34.
- Ge, Jian.Hoka, Kazunori.Research on residential Lifestyles in Japanese Cities from the viewpoints of residential preference,residential choice and residential satisfaction,J. Landscape and Urban planning,78,pp165-178,2006
- LPAC (London Planning Advisory Committee), "London's Urban Environmental Quality",Tibbalds Colbourne Karski Williams Monro, Romford, 1993
- Marino Bonaiuto\*, Ferdinando Fornara, Mirilia Bonnes (2003),"Indexes of perceived residential environment quality and neighbourhood attachment in urban environments:a confirmation study on the city of Rome", Landscape and Urban Planning 65 (2003) 41-52
- Mc Cray,J.W.and Day, S.S.Housing Values,Aspiration and Satisfactions as Indicators of Housing needs,Home Economics,5(4),pp.244-254,1977
- Rosenberg, M.J. Hovland, C.I. 1960. Cognitive, affective and behavioural components of attitudes. In: C.I. Hovland, M.J.Rosenberg (Eds.), Attitude, Organization and Change. Yale University Press, New Haven, CT, pp. 1-14
- Shamai Shmuel, (1991),..Sense of Place: An Empirical Measurement,Israel,Geoforum vol 22,pp347-358
- Van Poll R. "The perceived quality of the urban residential environment a multi-attribute evaluation"; 1997.

## Investigating the quality and sense of attachment to the place in the open spaces of the residential complex

Place is a phenomenon that man gives meaning to and becomes dependent on during his life. Dependence on place is affected by the quality of the space and the way it is designed, and people create it over a specific period of time. There is a positive relationship between attachment to place and perception and knowledge of place by the individual to the extent that he recognizes himself with it; Thus, the connection between man and place or "attachment to place" is considered the basis for satisfying many human needs through place and meaning in life. In particular, attachment to important places for human beings, the most characteristic of which is living space. Open spaces between residential buildings are the bedrock for residents to connect with nature and to spend their leisure time in the immediate exterior of the house. Come. This study examines the quality and sense of attachment to space in the open spaces of a residential complex. After dealing with the existing theories in the field of attachment to space and in open spaces of residential complex with an inferential approach and using past research and theoretical foundations, the results show that the quality and sense of attachment to space in open spaces of residential complex Organization, quality of interior spaces, social interactions, type of access and view and type of access and view can be effective factors in increasing the quality and sense of attachment to space in open spaces of residential complex.

**Keywords:** residential complex, quality of environment, open spaces, attachment to place, feeling of environment